

Pashto Affixes from the Viewpoint of Lexical Morphology

Golnaz Modarresi Ghavami^{*}, Vida Shaghghi^{}**

Zabihullah Sahib^{*}**

Abstract

This research examines derivational and inflectional processes in Pashto within the framework of “Lexical Morphology and Phonology” (Kiparsky, 1982). In this article, 131 Pashto affixes, comprising 40 inflectional and 91 derivational affixes, were categorized into two neutral and non-neutral categories based on their interaction with the base they are attached to. The findings of this study reveal that a majority of Pashto affixes, whether auto-stressed or connected to the base, result in alterations to the base. Furthermore, the research demonstrates the efficacy of Kiparsky's (1982) approach, originally devised to analyze the structure of English affixes, in analyzing neutral and non-neutral affixes in the Pashto language. According to the study, most of the Pashto affixes are non-neutrals, which are located in the first layer. It is worth mentioning that the number of neutral affixes is less than the non-neutral ones, although they are widely used in the language. Moreover, as the Lexical Morphology Hypotheses assumes, neutral and non-neutral affixes are organized based on the Level Ordering Hypothesis.

Keywords: derivational affix, inflectional affix, Lexical Morphology, Pashto language, stress.

* Associate Professor of Linguistics, Persian literature and Foreign language Department, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding Author), modarresighavami@atu.ac.ir

** Professor of Linguistics, Persian literature and Foreign language Department, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, vshaghghi@hotmail.com

*** Ph.D. Candidate of linguistics, Persian literature and Foreign language Department, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, arghand2014@gmail.com

Date received: 19/07/2023, Date of acceptance: 05/09/2023



وندهای زبان پشتو از منظر رویکرد صرف واژگانی

گلناز مدرسی قوامی*

ویدا شفاقی**، ذبیح‌الله صاحب***

چکیده

در این پژوهش، فرایندهای اشتقاق و تصریف در زبان پشتو در قالب رویکرد «صرف و واج‌شناسی واژگانی» بررسی و تحلیل شده است. در این مقاله، ۱۳۱ وند زبان پشتو، از جمله ۴۰ وند تصریفی و ۹۱ وند اشتقاقی، را با توجه به رفتارشان نسبت به پایه‌ای که به آن متصل می‌شوند در چارچوب رویکرد کیپارسکی (۱۹۸۲) در دو طبقه خشی و غیرخشی تقسیم و بررسی شده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر وندهای زبان پشتو یا تکیه‌برند یا اتصال آنها به پایه موجب تغییر جایگاه تکیه می‌شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد کیپارسکی (۱۹۸۲) که به عنوان یک نظریه مطرح برای مطالعه ساختمان واژه‌های انگلیسی تدوین شده است، قابلیت تحلیل وندهای خشی و غیرخشی در زبان پشتو را نیز دارد. بر اساس این پژوهش، بیشتر وندهای زبان پشتو غیرخشی هستند و در لایه اول قرار می‌گیرند. لازم به ذکر است که تعداد وندهای خشی در مقایسه کمتر، ولی کاربرد آنها در زبان وسیع‌تر است. علاوه بر این، همان‌طور که نظریه صرف واژگانی فرض می‌کند، پسوندهای خشی و غیرخشی بر اساس فرضیه ترتیب سطوح سازماندهی شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: وند اشتقاقی، وند تصریفی، صرف واژگانی، زبان پشتو، تکیه.

* دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران (نویسنده مسئول)، modarresighavami@atu.ac.ir

** استاد گروه زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، vshaghghi@hotmail.com

*** دانشجوی دکتری گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،

arghand2014@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۴



۱. مقدمه

زبان پشتو یکی از زبان‌های مهم افغانستان و پاکستان شمرده می‌شود. به نقل از دیوید (David 2014: 7) این زبان متعلق به گروه زبان‌های شمال‌شرقی زبان‌های ایرانی است. بعضی اقتباسات صرفی و نحوی از زبان‌های قدیم و جدید هندی در زبان پشتو موجود است که براساس آن به نظریه نیمه هندی و نیمه ایرانی بودن آن واصل می‌شویم، ولی براساس پژوهش‌های جدید این زبان یکی از زبان‌های ایرانی است و به همان شاخه‌ای وصل می‌شود که زبان اوستا از آن روئیده بود (دارمستر و دیگران ۱۳۵۶: ۱۲۷). به هر حال، زبان پشتو هم‌چون سایر زبان‌ها در راستای تمامی تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و صنعتی از جبر طبیعی به دور نمانده است، ولی برخی از ویژگی‌های باستانی را حفظ کرده است.

یکی از مسائل مهم صرف‌واژگانی (Lexical Morphology) طبقه‌بندی وندهای یک زبان براساس خصوصیتی مشترک، بدون توجه به تصریفی یا اشتقاقی بودن آنهاست. این خصوصیت مشترک معمولاً بر این اساس است که در اثر وندافزایی تغییرات آوایی در پایه (base) ایجاد می‌گردد یا خیر (مدرس‌خیابانی ۱۳۷۷: ۶۱). زبان پشتو زبانی تکیه‌ای محسوب می‌شود. به باور بیچکا (۱۹۶۹: ۴۸) الگوی تکیه آن مشابه زبان انگلیسی و دارای بیشترین وندهای تکیه‌بر است. در این زبان، برخی از وندها موجب تغییر در پایه می‌شوند و برخی چنین نیستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد تاکنون هیچ پژوهش نظریه‌بنیاد و نظام‌مندی که وندهای زبان پشتو را براساس تکیه‌بر یا بی‌تکیه بودن دسته‌بندی کرده باشد، یافت نشده است. در این راستا ۱۳۱ وند تصریفی و اشتقاقی با توجه به رفتارشان نسبت به پایه‌ای که به آن افزوده می‌شوند، در قالب رویکرد صرف‌واژگانی کیپارسکی (۱۹۸۲) به دو دسته ختشی (neutral) و غیرختشی (non-neutral) تقسیم شده است. پژوهش حاضر در صدد است تا با بررسی وندهای زبان پشتو مشخص سازد که کدام وندها در این زبان موجب تغییرات آوایی در پایه می‌شوند، کدام وندها ختشی و کدام‌ها غیرختشی هستند و در لایه‌هایی (strata) مانند آنچه که کیپارسکی (۱۹۸۲) برای زبان انگلیسی در نظر گرفته قرار می‌گیرند.

این مقاله، افزون به مقدمه، دارای پنج بخش است. بخش دوم، مطالعات پیشین در این زمینه را بررسی می‌کند. در بخش سوم مبانی نظری معرفی شده است. در بخش چهارم تکیه زبان پشتو مختصراً معرفی شده است. در بخش پنجم که بدنه اصلی مقاله است، به تحلیل داده‌های زبان پشتو در چارچوب صرف‌واژگانی پرداخته شده است و بخش آخر مقاله به

وندهای زبان پشتو از منظر ... (گلناز مدرسی قوامی و دیگران) ۱۰۵

نتیجه‌گیری اختصاص یافته است. لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر، به دلیل محدودیت ساختار مقاله، تنها به ذکر نمونه‌هایی از ۱۳۱ وند بررسی شده بسنده شده است.

۲. پیشینه پژوهش

صرفِ واژگانی از اوایل دههٔ هفتاد میلادی با آراء زیگل (Siegel 1974) مطرح شد و زبان‌شناسانی هم‌چون کیپارسکی (Kiparsky 1982) و موهانن (Mohan 1982) به اصول و قواعد این رویکرد پرداختند و این رویکرد را گسترش دادند. کیپارسکی رویکرد صرفِ واژگانی را با الهام‌گرفتن از فرضیهٔ ترتیب سطوح (Level Ordering Hypothesis) زیگل (Siegel 1974) و آلن (Allen 1978)، انگارهٔ خود را با نام صرف و واج‌شناسی واژگانی (Lexical Phonology and Morphology) ارائه کرد که در آن واژگان (lexicon) متشکل از لایه‌های مختلفی است و در هر لایه فرایندهای صرفی و واجی مشخصی عمل می‌کنند (قطره ۱۳۸۶: ۲۹).

بر اساس مطالعات نگارندگان، پیش از این برخی از پژوهشگران زبان ترکی، فارسی و اردو را در چهارچوب کیپارسکی (۱۹۸۲) بررسی کرده‌اند که در میان آن‌ها می‌توان به مدرس خیابانی (۱۳۷۷)، آرام (۱۳۸۷)، خسرو غلام‌علی‌زاده و یدالله فیضی‌پیرانی (۱۳۹۰) و سحر بهرامی خورشید (۱۳۹۴) و صفدر و مانگریو (Safdar and Mangrio 2021) اشاره کرد.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدرس خیابانی (۱۳۷۷) اولین اثری است که وندهای زبان فارسی را در قالب صرفِ واژگانی بررسی کرده است. وی ۱۱۰ وند زایا (productive) و سترون (non-productive) زبان فارسی را بررسی کرده و معیار جدیدی در جهت طبقه‌بندی وندهای زبان فارسی ارائه کرده است.

در مقالهٔ آرام (۱۳۸۷) که برگرفته از رسالهٔ دکتری وی است، فرایند اشتقاق در زبان ترکی آذربایجانی بررسی شده است. آرام در این مقاله به این نتیجه رسیده است که نمی‌توان انگارهٔ کیپارسکی را به‌طور کامل و بدون نیاز به تعدیل‌هایی برای زبان ترکی و تبیین داده‌های اشتقاقی آن پذیرفت.

غلام‌علی‌زاده و فیضی‌پیرانی (۱۳۹۰) نیز وندهای زبان فارسی را در قالب صرفِ واژگانی بررسی کرده‌اند. آن‌ها وندهای خستی و غیرخستی را تشخیص داده‌اند. بر اساس این پژوهش، بیش‌تر وندهای زبان فارسی گرایش به غیرخستی بودن دارند.

در مقاله بهرامی (۱۳۹۴) میزان کارایی انگاره کیپارسکی (۱۹۸۲) در تحلیل داده‌های زبان فارسی بررسی شده است. وی ناکارآمدی نسبی این انگاره را در تحلیل داده‌های زبان فارسی در مقایسه با زبان انگلیسی نشان داده است.

در مقاله صفدر و مانگریو (Safdar and Mangrio 2021) رفتار آوایی وندهای زبان اردو در انگاره کیپارسکی (۱۹۸۲) بررسی شده است. بر مبنای این مقاله، این انگاره در زبان اردو چندان کارا نیست، ولی برای تحلیل وندهای زبان اردو انگاره مناسب پنداشته شده است.

۳. مبانی نظری

در دستور زایشی (generative grammar)، مدل صرف واژگانی کیپارسکی (Kiparsky 1982) یکی از رهیافت‌هایی است که واژگان و ارتباط آن را با حوزه واج‌شناسی توصیف و تبیین می‌کند. در این انگاره، واژه به عنوان واحد کلیدی تحلیل‌های صرفی در نظر گرفته می‌شود، نه تکواژ. یکی از ویژگی‌های این انگاره، واژه‌محوری (word-based) به جای تکواژ - محوری (morpheme based) است (Katamba and Stonham 2006: 89). کیپارسکی این رویکرد را با الهام‌گرفتن از فرضیه ترتیب لایه‌ها که توسط زیگل (۱۹۷۴) و آلن (۱۹۷۸) معرفی شده بود، با نام صرف و واج‌شناسی واژگانی ارائه کرد که در آن واژگان متشکل از لایه‌های مختلفی‌اند و در هر لایه فرایندهای صرفی واجی مشخصی عمل می‌کنند (قطره ۱۳۸۶: ۲۹).

به سخن دیگر، در این رویکرد، وندها به صورت لایه‌ای به واژه‌هایی که از پیش در زبان وجود دارند، افزوده می‌شوند (اگرادی و دیگران ۱۳۹۸: ۱۶۴). بنابراین، وندها باعث ایجاد لایه‌ها و تغییر در پایه می‌شوند که ترتیب لایه‌ها نیز بیانگر ترتیب عملکرد فرایندهای واژه‌سازی است. کیپارسکی در اثر سال ۱۹۸۲ خود سه لایه را تشخیص می‌دهد، اما در ۱۹۸۳ دو لایه/سطح (layer) را پیشنهاد می‌کند. در انگاره کیپارسکی (۱۹۸۲)، وندها بر اساس کارکرد واجی (phonological behavior) در دو طبقه، وندهای خنثی و وندهای غیرخنثی سامان یافته‌اند. وندهای خنثی بر پایه تأثیر واجی ندارند، اما وندهای غیرخنثی بر روی همخوان و واکه پایه تأثیر می‌گذارند و یا محل تکیه را تغییر می‌دهند. به‌طور مثال، در زبان انگلیسی حضور پسوند غیرخنثی «-ic» باعث تغییر جایگاه تکیه در پایه می‌شود، مانند «stratégie > stratégic» (Katamba and Stonham.2006: 89,95,139) به‌همین ترتیب، حضور پسوند خنثی مانند «-ness» و «-less» هیچ تغییری در محل تکیه ایجاد نمی‌کنند. به این معنی که همان هجای پایه تکیه می‌گیرد و پایه بدون تغییر می‌ماند. به‌طور نمونه «abstract > abstract-ness» (ibid.: 90).

وندهای زبان پشتو از منظر ... (گلناز مدرسی قوامی و دیگران) ۱۰۷

زیگل برای این گونه وندها، اصطلاح وندهای طبقه یک (class 1) و طبقه دو (class 2) را به کار گرفته است. او نشان می‌دهد که این وندها با در نظر داشتن ویژگی‌های واجی و صرفی مشخص می‌شوند (Spencer 1991: 79).

به همین ترتیب، محور اصلی صرف واژگانی بر اساس سلسله‌مراتب لایه‌ها (hierarchical strata) سازماندهی می‌شود. وندهای لایه اول به ریشه (root) نزدیک‌تر و وندهای لایه دوم از ریشه دورترند. اگر وندهای لایه دوم نسبت به لایه اول به ریشه نزدیک‌تر شوند، واژه‌های بدساخت تولید می‌شوند (Katamba and Stonham.2006: 93) مانند نمونه زیر:

جدول ۱. ترتیب لایه‌ها (Katamba and Stonham 2006)

[[[root S1 S2]]	[[[root S2 S1]]
mendel-ian-ism	*mendel-ism-ian

از آن‌جا که تکیه در تغییرات آوایی حاصل از وندافزایی اهمیت دارد، بنابراین، به ویژگی تکیه در زبان پشتو به طور مختصر پرداخته می‌شود.

۴. تکیه در زبان پشتو

زبان پشتو زبانی تکیه‌ای است. به باور بیچکا (Becka 1969: 46) تکیه زبان پشتو آزاد (free) است و جای ثابت ندارد. پنزل (Penzl 1955: 35-36) به این نکته اشاره می‌کند که در واژه‌های بسیط تکیه همیشه بر روی هجای پایانی قرار می‌گیرد. از نظر رابسون و تگی (Robson and Tegay 2009: 725-726) جایگاه تکیه در واژه‌های زبان پشتو قابل پیش‌بینی نیست، اما به‌طور کلی اگر آخرین هجای واژه به همخوان ختم شود آن هجا تکیه می‌گیرد، اگر نه تکیه روی هجای ماقبل آخر قرار می‌گیرد. اما واژه‌ای مانند «pašto» (پشتو) که به واکه ختم می‌شود و تکیه پایانی دارد قاعده یادشده را نقض می‌کند.

در واژه‌های چندهجایی، تکیه می‌تواند روی هر عنصری قرار گیرد. (Becka 1969: 47) بر این اساس، می‌توان گفت که بیشتر اسم‌های مکان و اسم‌های خاص تکیه پایانی دارند (ibid: 62)

جدول ۲. اسم‌های خاص، برگرفته از بیچکا (۱۹۶۹)

[aʔák]	[aʔráf]
اتک (اسم مکان)	اشرف

برخی از واژه‌های عربی و فارسی که وارد زبان پشتو شده‌اند، تکیه آغازی دارند (ibid: 63).

جدول ۳. واژه‌های عربی و فارسی، برگرفته از بیچکا (۱۹۶۹)

[sóla]	[dʒáma]	[fákər]	[fáram]
صلح	جمع	فکر	شرم

صورت کوتاه‌شده ضمیرهای تک‌هجایی شخصی (personal pronouns) یا پی‌بستها (enclitics) تکیه ندارند و در کنار واژه‌های مستقل واژه واجی (phonological word) می‌سازند (ibid: 69).

جدول ۴. پی‌بستها، برگرفته از بیچکا (۱۹۶۹)

[zə-je wínəm]	[plár-de tʃére dáj]
می‌بینم او را من	است کجا ات پدر
من می‌بینمش	پدرت کجاست؟

برخی از ضمیرهای شخصی چندهجایی بر روی هجای ماقبل آخر (penultimate) تکیه دارند. ضمیرهای پرسشی (interrogative pronouns) نیز در هجای ماقبل آخر تکیه می‌پذیرند (ibid.).

جدول ۵. ضمیرهای پرسشی، برگرفته از بیچکا (۱۹۶۹)

[tsóngə]	[kúma]	[táso]	[táse]
چطور؟	کدام؟	شما (حالت کنائی)	شما

برخی از ضمیرهای شخصی بر روی هجای پایانی (ultima) تکیه می‌پذیرند (ibid.). مانند نمونه‌های جدول ۶.

وندهای زبان پشتو از منظر ... (گلناز مدرسی قوامی و دیگران) ۱۰۹

جدول ۶. ضمیرهای شخصی، برگرفته از بیچکا (۱۹۶۹)

[haɣá]	[haɣúj]
او	آنها

در ضمیرهای مبهم (indefinite pronouns) جایگاه تکیه قابل پیش بینی نیست (ibid.:70).

جدول ۷. ضمیرهای مبهم، برگرفته از بیچکا (۱۹۶۹)

[jawtsó]	[zine]
چند	بعضی

در ضمیرهای اشاره (demonstrative pronoun) هجای ماقبل آخر تکیه پذیرند، اما در مفهوم مرجع دار (anaphorical sense)، بر روی هجای پایانی تکیه دارند (ibid.: 69). مانند نمونه‌های جدول ۸.

جدول ۸. ضمیرهای اشاره، برگرفته از بیچکا (۱۹۶۹)

[haɣá]	[daɣá]	[háɣa]	[dáɣa]
آنش	اینش	آن	این

ضمیرهای اشاره تأکیدی (emphatic demonstrative pronoun) نیز بر روی هجای ماقبل آخر تکیه دارند (ibid.). نمونه‌های زیر را ملاحظه کنید:

جدول ۹. ضمیرهای اشاره تأکیدی، برگرفته از بیچکا (۱۹۶۹)

[hamáɣa]	[hamdáɣa]
همان	همین

در صفت‌های چندهجایی هجای پایانی و در برخی صفت‌ها هجای ماقبل آخر تکیه پذیرند، مانند نمونه‌های جدول ۱۰.

جدول ۱۰. صفت‌های چندهجایی، برگرفته از بیچکا (۱۹۶۹)

[spína]	[tjárǝ]
سفید	تاریک

اعداد اصلی چندهجایی تا شماره ۱۰ تکیه پایانی دارند. اعداد مرکب تا شماره ۱۰۰ در هجای اول تکیه می‌گیرند. به همین ترتیب، اعداد ترتیبی بر روی هجای پایانی تکیه دارند (ibid.: 70)

جدول ۱۱. اعداد اصلی و ترتیبی، برگرفته از بیچکا (۱۹۶۹)

[nəhám]	[dólas]	[atǝ]	[tsalór]
نهم	دوازده	هشت	چهار

برخی از قیده‌ها تکیه پایانی دارند و برخی دیگر بر روی هجای ماقبل آخر تکیه می‌پذیرند. به همین ترتیب، قیدهایی که وارد زبان پشتو شده‌اند تکیه پایانی دارند (ibid.: 72).

جدول ۱۲. قیده‌ها، برگرفته از بیچکا (۱۹۶۹)

[mazdigár]	[jawdám]	[dólta]	[hálta]	[lotfán]
عصر	یک بار	اینجا	آنجا	لطفاً

ادوات (particles) معمولاً تکیه ندارند و حروف ربط (conjunction) در هجای ماقبل آخر تکیه می‌پذیرند (ibid.: 73) مانند «dzǝka» (به این خاطر)، «déken» (لکن) و «mágar» (مگر). زبان پشتو هم از درون و هم از طریق تماس دستخوش نوآوری‌هایی شده است و در برخی جنبه‌ها شاید محافظه‌کارانه‌ترین زبان در میان زبان‌های ایرانی باشد که تکیه واجی (phonemic stress) را در خود حفظ کرده است (دبیرمقدم ۱۴۰۲: ۱۶۷). از جانب دیگر، این زبان از زبان‌های هندی، مغولی و ترکی واژه‌هایی را وام گرفته است که در اثر آن تکیه زبان پشتو پیچیده شده است. تکیه آزاد و متحرک هم معنی لغوی و هم مفهوم صرفی را تغییر می‌دهد (Becka 1969: 48). در زبان‌های تکیه‌ای، جفت‌واژه‌ها فقط بر اساس جایگاه تکیه

وندهای زبان پشتو از منظر ... (گلناز مدرسی قوامی و دیگران) ۱۱۱

از هم متمایز می‌شوند (Fleming 2021:15-24). زبان پشتو جفت‌واژه‌هایی دارد که تمایز آن‌ها در جایگاه تکیه است (ibid.) مانند نمونه‌های زیر:

جدول ۱۳. جفت‌واژه‌ها، برگرفته از بیچکا (۱۹۶۹)

[téra] _N	گذشته	>	[terá] _N	تیز
[ʔaspá] _N	تب‌خال	>	[ʔaspa] _N	اسب ماده

در افعال زبان پشتو نیز جایگاه تکیه ثابت نیست (Becka 1969: 105) مانند نمونه‌های جدول ۱۴.

جدول ۱۴. جایگاه تکیه در افعال، برگرفته از بیچکا (۱۹۶۹)

شکل مصدری	استمراری	ماضی مطلق
pohedál	pohézəm	Wəpohedəm
فهمیدن	می‌فهمم	فهمیدم
tsəmlastəl	tsəmlastəm	tsəmlastəm
خوابیدن	دارم می‌خوابم	خوابیدم

در زبان پشتو، تغییرات آوایی حاصل از وندافزایی تأثیرگذار است و در تشخیص لایه‌بندی وندها عنصر مهم تلقی می‌شود. از این‌رو نگارندگان مقاله، وندهای زبان پشتو را با توجه به رفتارشان نسبت به پایه‌ای که به آن متصل می‌شوند، به دو گروه، خشی و غیرخشی تقسیم کرده‌اند. در زبان پشتو تعداد پسوندها نسبت به پیشوندها بیشتر است و بیشترین کاربرد و نقش در ساختار واژه دارند.

۵. تحلیل داده‌ها

داده‌های این پژوهش را از کتاب‌های مختلف زبان پشتو، همچون زیار (۱۳۹۶)، رشتین (۱۳۲۶)، زیار (۱۳۸۴)، بیچکا (۱۹۶۹) و رشتین (۱۳۲۷) جمع‌آوری و در چهارچوب رویکرد کیپارسکی (۱۹۸۲) تحلیل کردیم.

وندها با توجه به نقش ساختاریشان، به وندهای اشتقاقی و تصریفی تقسیم‌بندی می‌شوند (شقاقی ۱۳۸۶: ۶۹). چون رویکرد صرف‌واژگانی بین وندهای اشتقاقی و تصریفی تمایز قائل نیست، بنابراین، نگارندگان وندهای زبان پشتو را بدون تمایز وندهای اشتقاقی و تصریفی بررسی می‌کنند.

۵-۱ پیشوندهای فعلی

در زبان پشتو سه پیشوندهای فعلی «نفی» /mə-/ (negation)، «نهی» /mə-/ (prohibition) و نمود کامل /wə-/ (perfective prefix) دیده می‌شود، مانند مثال‌های زیر:

جدول ۱۵. پیشوندهای فعلی، برگرفته از فلمینگ (۲۰۲۱)

[wə-]	+	[likə] _v	>	[wə-likə] _v
نمود کامل		داشت می‌نوشت		نوشت
[mə-]	+	[dzəm] _v	>	[mə-dzəm] _v
نشانه نفی		می‌روم		نمی‌روم
[mə-]	+	[xwra] _v	>	[mə-xwra] _v
نشانه نهی		بخور		نخور

فلمینگ (Fleming 2021: 15-24) به نقل از رابسون و تگی (۲۰۰۹) می‌نویسد: «پیشوندهای (mə-)»، (mə-) و «(wə-)» تکیه را به خود جلب می‌کنند». از بررسی سه پیشوند فعلی ملاحظه شد، هنگامی که به پایه متصل می‌شوند، تکیه را به سوی خود منتقل می‌کنند، بنابراین، پیشوندهای فعلی، غیرخشی هستند و در لایه اول قرار می‌گیرند.

۵-۲ پیشوندهای غیرفعلی

پیشوندهای غیرفعلی با کلماتی چون اسم، ضمیر، صفت، قید و عدد ترکیب می‌شوند و کلمات مشتق غیرفعلی چون اسم، صفت یا قید می‌سازند. مثال‌هایی از پیشوندهای غیرفعلی را در نمونه‌های زیر ملاحظه می‌نماییم:

جدول ۱۶. پیشوندهای غیر فعلی زبان پشتو

پیشوند	واژه	واژه جدید
[saz-]	+ [-kál]	> [sáz-kál]
	سال	امسال
[paro-]	+ kal]z[sá	> [paró-skal]
	امسال	پارسال
[par-]	+ [nén]	> [par-un]
	امروز	دیروز
[a-]	+ [yáŕa]	> [á-yáŕa]
	سمت	آن سمت
[de-]	+ [yáŕa]	> [dé-yáŕa]
	سمت	این سمت

در مثال‌های فوق ملاحظه گردید که اتصال پیشوندها، باعث انتقال تکیه و تغییر در پایه شده‌اند، بنابراین، هر سه پیشوند غیر فعلی و متعلق به لایه اول هستند. بررسی پیشوندهای زبان پشتو نشان می‌دهد که به جز پنج پیشوند غیر فعلی فوق، سایر پیشوندهای غیر فعلی که بیشترین آن‌ها از زبان‌های فارسی و عربی وارد زبان پشتو شده‌اند، به لایه دوم تعلق دارند، مانند نمونه‌های زیر:

جدول ۱۷. پیشوندهای غیر فعلی زبان پشتو

پیشوند	واژه	واژه جدید
[be-]	+ [xwánd] _N	> [be-xwánd] _{Adj}
	مزه	بدمزه
[ham-]	+ [mahál] _N	> [ham-mahál] _{Adj}
	زمان	هم‌زمان
[na-]	+ [tsók] _{pro}	> [na-tsók] _{Adj}
	کس	ناکس
[fa-]	+ [tíŕga] _{Adj}	> [fa-tíŕga] _N
	سفت	سنگدان

در مثال‌های فوق پیشوند «be-» (بی-) با اسم ترکیب می‌شود و صفت می‌سازد (رشتین ۱۳۲۶: ۱۳۲، ۱۳۴). وند «ham-» (هم-) که نشانهٔ مشابهت است، صفت ساخته است. به همین ترتیب، پیشوندهای «na-» و «ja-» را می‌بینیم که به ترتیب، صفت و اسم ساخته‌اند. در بررسی این‌گونه وندها ملاحظه گردید، هنگامی که به پایه متصل می‌شوند، هیچ تغییری بر پایه ایجاد نمی‌کنند، بنابراین، ختی و در لایه دوم قرار می‌گیرند.

جدول ۱۸. پیشوندهای پشتو بر اساس لایه‌های واژگانی

ردیف	انواع وندها	لایه اول	لایه دوم	جمع
۱	پیشوندهای فعلی	۳	-	۳
۲	پیشوندهای غیرفعلی	۵	۱۶	۲۱
	جمع	۹	۱۶	۲۴

۳-۵ پسوندهای فعلی

زبان پشتو در زمان‌های غیرگذشته فاعلی - مفعولی (nominative-accusative) است و در زمان‌های گذشته کنائی - مطلق (ergative-absolutive) (دبیرمقدم ۱۴۰۲: ۱۵۹). بنابراین، در زبان پشتو شناسه‌های فعلی به دو گروه شناسه‌های فاعلی و شناسه‌های مفعولی تقسیم می‌شوند. خویشکی (۱۳۸۹: ۲۹) به شش شناسهٔ فاعلی که به ریشه‌های زمان حال متصل می‌شوند اشاره کرده است. در صورت‌های فعلی حاصل از اتصال شناسه‌های فاعلی تکیه جای ثابت ندارد:

جدول ۱۹. شناسه‌های فاعلی زبان پشتو

gór-əm	gór-u	gór-e	gór-əy	gór-i	gór-i
می‌بینم	می‌بینیم	می‌بینی	می‌بینید	می‌بیند	می‌بینند
taṛ-əm	taṛ-ú	taṛ-é	taṛ-əy	taṛ-í	taṛ-í
می‌بندم	می‌بندیم	می‌بندی	می‌بندید	می‌بندد	می‌بندند

وندهای زبان پشتو از منظر ... (گلناز مدرسی قوامی و دیگران) ۱۱۵

از مثال‌های فوق مشاهده می‌شود که جایگاه تکیه ثابت نیست، گاهی بر روی ریشه و گاهی بر روی پسوند می‌نشیند. چون پسوند به ریشه وابسته افزوده می‌شود، شناسه‌های فاعلی در لایه اول قرار می‌گیرند.

افعال متعدی در زمان گذشته با مفعول مطابقت دارند که مثال‌هایی از آنها را در جملات

زیر می‌بینیم:

جدول ۲۰. شناسه‌های مفعولی

الف	ب
ma zahrá lez-ála داشتم می‌فرستادم زهرا من	ma zahrá ?aw fatimá lez-ále داشتم می‌فرستادم فاطمه و زهرا من
من زهرا را داشتم می‌فرستادم.	من زهرا و فاطمه را داشتم می‌فرستادم.
ma ?ahmád lez-á داشتم می‌فرستادم احمد من	ma ?ahmád ?aw mahmúd lez-ál داشتم می‌فرستادم محمود و احمد من
من احمد را داشتم می‌فرستادم.	من احمد و محمود را داشتم می‌فرستادم.

در مثال‌های ستون الف، شناسه‌های «-ála» و «-á» به ترتیب با «زهرا» (مفرد مؤنث) و «احمد» (مفرد مذکر) و در مثال‌های ستون ب، شناسه‌های «-ále» و «-ál» با «زهرا و فاطمه» (جمع مؤنث) و «احمد و محمود» (جمع مذکر) مطابقت دارند. علاوه بر شناسه‌های فوق، در زبان پشتو یک پسوند امری (imperative) «-a» داریم که در نمونه جدول ۲۱ دیده می‌شود:

جدول ۲۱. پسوند امری زبان پشتو

ریشه	پسوند	فعل
[taɾ]v	+ [-a]	[taɾ-á]v
ریشه فعل متعدی		ببند

از آنجا که ریشه‌های فعلی، وابسته‌اند و از جانب دیگر شناسه‌های مطابقت مفعولی و امری

تکیه‌برند، این شناسه‌های نیز در لایه اول واژگانی قرار می‌گیرند.

۴-۵ پسوندهای غیرفعلی

مشتق غیرفعلی به کلمه غیربسیطی گفته می‌شود که با یکی از وندهای اشتقاقی غیرفعلی ساخته شده باشد. (کلباسی ۱۳۹۱: ۸۲). در زبان پشتو نیز با پسوندهای غیرفعلی مشتق غیرفعلی ساخته می‌شود، مانند پسوندهای «-dzay»، «-in» و «-wal» در واژه‌هایی چون «pohan-dzāj» (دانشکده)، «xaɬ-in» (خاکی) و «hewad-wal» (هم‌وطن یا هم‌شهری).

بیشتر وندهای غیرفعلی در زبان پشتو تکیه‌برند (بیچکا ۱۹۶۹: ۴۸). از جانب دیگر، تعدادی زیادی از پسوندهای غیرفعلی موجب تغییر در همخوان‌ها و واکه‌های پایه می‌شوند مانند مثال‌های جدول ۲۲.

جدول ۲۲. پسوندهای غیر خشتی، برگرفته از رشتین (۱۳۲۶)

واژه جدید	پسوند	واژه
[dɔdɔj-mar] _{Adj}	[-mar]	[dɔdɔj] _N
نان‌ده/همان‌نواز	+	نان
[wələs-wal] _{Adj}	[-wal]	[wələs] _N
مردم‌دار	+	مردم

در مثال‌های بالا ملاحظه می‌شود که پسوندهای اشتقاقی «-mar» و «-wal» هیچ تغییری در پایه ایجاد نکرده‌اند، بلکه تنها جایگاه تکیه را تغییر داده‌اند، پس غیر خشتی‌اند و در لایه اول قرار می‌گیرند.

جدول ۲۳. پسوندهای غیر خشتی، برگرفته از زیار (۱۳۹۶)

واژه جدید	پسوند	واژه
[xaɬ-in] _{Adj}	[-in]	[xáɬa] _N
گلی (سفالین)	+	گل
[paz-iz] _{Adj}	[-iz]	[páza] _N
خیشومی	+	بینی
[wuzə-mə] _{Adj}	[-mə]	[wuzá] _N
بزِ مست	+	بز

وندهای زبان پشتو از منظر ... (گلناز مدرسی قوامی و دیگران) ۱۱۷

پسوندهای «-in»، «-iz» و «-mən» اشتقاقی هستند. اتصال آنها نه تنها باعث تغییر در پایه می‌شود، بلکه تکیه پایه را نیز به سمت خود منتقل می‌کنند. بنابراین، در لایه اول قرار می‌گیرند. علاوه بر پسوندهای اشتقاقی، پسوندهای تصریفی نیز رفتار آوایی خاص خود را دارند:

جدول ۲۴. پسوندهای غیرخشتی در زبان پشتو

واژه	پسوند	صورت کلمه
[zɔj] _{N.Sg}	+ [-mən]	> [za-mən] _{N.PL}
پسر		پسران
[paɣtún] _{N.masc}	+ [-na]	> [paɣta-ná] _{N.Femin}
مرد پشتو زبان		زن پشتو زبان
[ɣál] _{N.Sg}	+ [-ə]	> [ɣl-ə] _{N.PL}
دزد		دزدها
[saráj] _{N.Sg}	+ [-an]	> [sarɪ-ján] _{N.PL}
آدم		آدم‌ها

در مثال‌های فوق ملاحظه می‌شود که پسوندهای تصریفی «-mən»، «-na»، «-ə» و «-an» موجب تغییر در پایه شده‌اند و محل تکیه را نیز به سمت خود منتقل کرده‌اند، بنابراین از نظر رفتار آوایی، غیرخشتی و متعلق به لایه اول هستند. به همین ترتیب اتصال برخی از وندهای تصریفی زبان پشتو در پایه تغییرات بسیاری ایجاد می‌کند، مانند مثال‌های زیر:

جدول ۲۵. پسوندهای غیرخشتی، برگرفته از رشتین (۱۳۲۷)

واژه	پسوند	صورت کلمه
[xór] _{N.Sg}	+ [-ajnde]	> [xw-ájnde] _{N.PL}
خواهر		خواهران
[wɾarə] _{N.Sg}	+ [-una]	> [wɾer-úna] _{N.PL}
برادرزاده		برادرزادگان

از مثال‌های فوق مشخص می‌شود که با افزوده شدن وندهای تصریفی پایه دگرگون می‌شود و می‌توان بر اساس رفتار آوایی آنها را در لایه اول قرار داد.

علاوه بر وندافزایی، فرایند تغییر واج در صورت‌های مختلف تصریفی کلمات در زبان پشتو رایج است:

جدول ۲۶. فرایند تغییر واج، برگرفته از زیار (۱۳۸۴)

صورت مفرد		صورت جمع
[muláx] _{N.Sg}	+ [-a->-ə-]	> [muləx] _{N.PL}
ملخ		ملخ‌ها
[wóɽáj] _{N.Sg}	+ [-aj->-i]	> [wóɽi] _{N.PL}
تابستان		تابستان‌ها
[lára] _{N.Sg}	+ [-a->-i]	> [láre] _{N.PL}
راه		راه‌ها

از آنجا که تغییر واج، موجب تغییر در پایه می‌شود، بنابراین، غیرخشتی تلقی می‌شود و در لایه اول قرار می‌گیرد.

در زبان پشتو، جمع مذکر به شش صورت ساخته می‌شود که همه وندهای تصریفی آنها از نظر رفتار آوایی غیرخشتی هستند و در لایه اول واژگانی قرار می‌گیرند.

جدول ۲۷. پسوندهای جمع مذکر

[zómaj] _{N.Sg}	زمستان	>	[zóm-i] _{N.PL}	زمستان‌ها
[mál] _{N.Sg}	همراه	>	[ml-ə] _{N.PL}	همراهان
[moɽár] _{N.Sg}	ماشین	>	[moɽər] _{N.PL}	ماشین‌ها
[lór] _{N.Sg}	داس	>	[lar-úna] _{N.PL}	داس‌ها
[zój] _{N.Sg}	پسر	>	[za-mən] _{N.PL}	پسران
[zmaráj] _{N.Sg}	شیر	>	[zmar-i-ján] _{N.PL}	شیرها

به همین ترتیب در زبان پشتو، ۵ وند جمع مؤنث داریم که به‌جز وند صفر و وند «e» که خشتی‌اند، مابقی غیرخشتی عمل می‌کنند:

جدول ۲۸. پسوندهای جمع مؤنث

[ʔosáj] _{N.Sg}	آهو	>	[ʔosáj-Ø] _{N.PL}	آهووان
[ɣwá] _{N.Sg}	گاو	>	[ɣwá-we] _{N.PL}	گاو‌ها

[ʂódza] _{N.Sg}	زن	>	[ʂódz-e] _{N.PL}	زن‌ها
[trór] _{N.Sg}	خاله	>	[tr-ájnde] _{N.PL}	خاله‌ها
[ʔaná] _{N.Sg}	مادربزرگ	>	[ʔana-gáne] _{N.PL}	مادربزرگ‌ها

تعداد وندهای خشتی که در رویکرد صرف‌واژگانی هیچ تأثیری بر پایه ندارند (Katamba and Stonham 2006: 89) در زبان پشتو زیاد نیست، اما از نظر کاربردی، دامنه وسیعی دارند. نمونه‌های از وندهای خشتی را می‌توان در مثال‌های جدول ۲۹ ملاحظه کرد.

جدول ۲۹. پسوندهای خشتی زبان پشتو

واژه	پسوند	صورت کلمه
[raŋá] _{N.Sg}	+ [-e]	> [raŋá-we] _{N.PL}
روشنی		روشنی‌ها
[wrór] _{N.Sg}	+ [-a]	> [wrór-a] _{V. Case}
برادر		برادر!

در مثال‌های بالا می‌بینیم که با اتصال پسوند تصریفی «-e»، همخوان میانجی (w) در مرز پسوند و پایه درج گردیده است، اما هیچ تغییر آوایی دیگری رخ نداده است. در مثال بعدی نیز هیچ تغییری در پایه یا جایگاه تکیه حاصل نمی‌شود. بنابراین، هر دو پسوند، خشتی و متعلق به لایه دوم هستند.

جدول ۳۰. پسوندهای خشتی زبان پشتو

واژه	پسوند	واژه جدید
[po] _{Adj}	+ [-a]	> [pó-ha] _N
عافل		دانش
[páj] _{Adj}	+ [-la]	> [páj-la] _N
آخر		نتیجه
[gandǎ] _N	+ [-aj]	> [gandǎ-aj] _{Adj}
دوختن		دوخته‌شده

در مثال‌های فوق، پسوندهای اشتقاقی «-a»، «-la» و «-ay» را می‌بینیم که اتصال آن به پایه هیچ تغییری ایجاد نکرده است و تنها با افزوده شدن پسوند «-a» همخوان میانجی [h] در مرز

واژه و پسوند افزوده شده است. بنابراین، پسوندهای فوق نیز ختشی هستند و در لایه دوم قرار می‌گیرند.

در برخی از زبان‌ها نیز از تکواژ صفر (zero morph) استفاده می‌شود. تکواژ صفر، تغییر دیگری از فرایند تغییر مقوله (zero derivation) است که تغییر در معنی و نقش را به وندی تهی (empty) نسبت می‌دهند و فاقد صورت آوایی است (شقاقی ۱۳۹۴: ۱۸۷). در زبان انگلیسی صورت مفرد «sheep» صورت جمع خود را در لایه اول حاصل می‌کند (Katamba and Stonham 2006: 105). چون فرایند صفر در زبان انگلیسی رایج و از جانب دیگر قابل پیش‌بینی نیست، بنابراین در لایه اول قرار گرفته است. در زبان پشتو فرایند صفر زیاست و طبق قاعده تمام واژه‌های مختوم به «əj» و «wəl» بدون تغییر در صورت آوایی در صورت جمع تکواژ صفر می‌گیرند. از آنجا که تکواژ صفر در زبان پشتو هیچ تغییری در پایه ایجاد نمی‌کند، ختشی تلقی می‌شود و در لایه دوم قرار می‌گیرد. دو مثال از وند صفر را به‌طور نمونه ملاحظه نمایید:

جدول ۳۱. تکواژ صفر در زبان پشتو

پایه	وند صفر	صورت کلمه جدید
[tsawkəj] _{N.Sg}	+ [-∅]	> [tsawkəj] _{N.PL}
صندلی		صندلی‌ها
[likwəl] _{N.Sg}	+ [-∅]	> [likwəl] _{N.PL}
نویسنده		نویسندگان

با بررسی داده‌های زبان پشتو ملاحظه گردید که علاوه بر پسوندهای اشتقاقی، پسوندهای تصریفی را نیز می‌توان به ختشی و غیرختشی تقسیم کرد.

سلسله‌مراتب سطوح (hierarchy of levels)، اصل دیگری از صرف واژگانی است. به نقل از پانوکووا (Panocová 2021:70) در مدل کیپارسکی (۱۹۸۲) وندهای طبقه اول و دوم بر اساس ویژگی‌های آوایی متمایز نمی‌شوند، بلکه بر اساس لایه‌بندی از هم متمایزند. بنابراین، وندها بر اساس ترتیب و نظم خاصی در لایه‌های واژگانی اضافه می‌شوند. این ترتیب را به‌طور نمونه در جدول ۳۲ ملاحظه نمایید:

جدول ۳۲. ترتیب وندها در زبان پشتو

پایه	پسوندها	معنی
[xat] _{root}		
[xat] _{root}	[-iz]	[xat-íz] _{Adj} شرقی
[xat-íz] _{Adj}	[-wal]	[xatiz-wál] _{Adj} شرق‌گرا
[xatiz-wál] _{Adj}	[-a]	[xatizwál-a] _{Adj} شرق‌گرایی

اگر وند لایه دوم نسبت به لایه اول به ریشه نزدیک‌تر باشد، کلمه بدساخت تولید می‌شود، مانند «xatizawál»؛ زمانی که وندهای لایه اول حضور نداشته باشند، وندهای لایه دوم می‌توانند به پایه متصل شوند، مانند پسوند اشتقاقی «-a» در واژه «pó-ha» (دانش).

از بررسی داده‌های زبان پشتو ملاحظه گردید که بر اساس رویکرد لایه‌ای، وندهای لایه اول نسبت به وندهای لایه دوم به ریشه نزدیک‌ترند. این اصل لایه‌بندی در هر دو فرایند، تصریف و اشتقاق حاکم است.

وندهای اشتقاقی نسبت به وندهای تصریفی به ریشه نزدیک‌ترند و اشتقاق قبل از تصریف عمل می‌کند (Greenberg 1966: 93) به سخن دیگر، تصریف در لایه بیرونی کلمه و اشتقاق در لایه داخلی آن حضور دارد (Bloomfield 1933: 222) این اصل گرینبرگ را می‌توان در جدول ۳۳ ملاحظه کرد:

جدول ۳۳. ترتیب وندهای اشتقاقی و تصریفی

[ریشه]	[gáʈa] _N
	سود
[ریشه‌وند اشتقاقی]	[gaʈ-án] _{Adj}
	سودمند
[ریشه‌وند اشتقاقی] [وند اشتقاقی]	[gaʈan-dóʃ] _N
	سود آور
[ریشه‌وند اشتقاقی] [وند اشتقاقی] [وند تصریفی]	[gaʈandoj-án] _{N, masc}
	فایده‌دهندگان
[ریشه‌وند اشتقاقی] [وند اشتقاقی] [وند تصریفی] [وند تصریفی]	[gaʈandoj-án-e] _{N, fem}
	فایده‌دهندگان

اگر وندهای تصریفی مثل وندهای جمع نسبت به وندهای اشتقاقی به ریشه نزدیک‌تر شوند، واژه بدساخت مانند «gaṭandojane»* تولید می‌شود. در این پژوهش پسوندهای فعلی و غیرفعلی بر اساس رفتار آوایی به دو گروه، خشی و غیرخشی طبقه‌بندی شده‌اند که آمار آن‌را می‌توان در جدول ۳۴ دید:

جدول ۳۴. پسوندهای فعلی و غیرفعلی بر اساس لایه‌های واژگانی

نوع وند	لایه اول	لایه دوم	جمع
پسوندهای فعلی	۱۱	-	۱۱
پسوندهای غیرفعلی	۷۸	۱۸	۹۶
جمع	۸۸	۱۸	۱۰۷

۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله، ۱۳۱ وند اشتقاقی و تصریفی زبان پشتو در چارچوب نظری صرف واژگانی بررسی و بر اساس رویکرد کیپارسکی (۱۹۸۲) به دو دسته خشی و غیرخشی تقسیم شدند. پژوهش حاضر نتایج زیر را به دست می‌دهد:

- با توجه به رفتار آوایی، وندهای اشتقاقی و تصریفی زبان پشتو، خشی و غیرخشی هستند.
- بیشترین وندهای زبان پشتو تکیه‌برند.
- از میان ۹۶ پسوند غیرفعلی، ۲۶ پسوند تصریفی و مابقی اشتقاقی‌اند.
- از نظر رفتار آوایی ۱۱ پسوند تصریفی خشی و مابقی غیرخشی عمل می‌کنند.
- از میان ۲۱ پیشوند غیرفعلی، ۵ پیشوند در لایه اول و ۱۶ پیشوند در لایه دوم قرار می‌گیرند.
- از میان ۹۱ وند اشتقاقی اعم از پیشوند و پسوند، ۲۳ وند آن در لایه دوم قرار می‌گیرند، مابقی متعلق به لایه اول هستند.
- از میان ۴۰ وند تصریفی اعم از پیشوند و پسوند، ۱۱ مورد آن خشی، مابقی غیرخشی‌اند.
- مطابق ترتیب لایه‌ها، وندهای لایه دوم بعد از لایه اول قرار می‌گیرند.

وندهای زبان پشتو از منظر ... (گلناز مدرسی قوامی و دیگران) ۱۲۳

- از میان ۱۱ فرایند جمع، ۶ فرایند آن جمع مذکر و مابقی جمع مؤنث هستند. همه فرایندهای جمع مذکر، غیرخشتی اند. به جز دو فرایند جمع مؤنث که خشتی هستند، مابقی غیرخشتی محسوب می‌شوند و در لایه اول قرار می‌گیرند.
- سایر پیشوندهای غیرفعلی که از زبان‌های فارسی و عربی به زبان پشتو راه یافته‌اند، از نظر رفتار آوایی، خشتی هستند و متعلق به لایه دوم می‌شوند.
- هم‌آوایی وندها در زبان پشتو زیاد است، به‌طور نمونه «-a» و «-a»، «-ja» و «-ja» که در واژه‌های زیر برای تأنیث، اسم‌سازی و حالت ندایی به کار می‌روند:

واژه	پسوند	واژه/صورت کلمه جدید
[dʒog] _{N.masc} مرد بلند قامت	+ [-a]	> [dʒog-a] _{N.femin} زن بلند قامت
[dʒog] _{Adj} بلند	+ [-a]	> [dʒog-a] _N بلندی
[pohandoj] _{N.masc} دانشیار	+ [-ja]	> [pohandoj-ja] _{V.Case} دانشیار!
[pohandoj] _{N.masc} دانشیار	+ [-ja]	> [pohandoj-ja] _{N.femin} دانشیار

در پایان نوع و تعداد دقیق وندهای زبان پشتو که در این پژوهش بررسی شده‌اند به شرح زیر ارائه می‌شود:

آمار کلیه وندهای زبان پشتو بر اساس خشتی یا غیرخشتی بودن

جمع	غیرخشتی	خشتی	نوع وندها	
۳	۳	-	تصریفی	پیشوندهای فعلی
۲۱	۵	۱۶	اشتقاقی	پیشوندهای غیرفعلی
۲۶	۱۵	۱۱	تصریفی	پسوندهای غیرفعلی
۷۰	۶۳	۷	اشتقاقی	
۱۱	۱۱	-	تصریفی	پسوندهای فعلی
-	-	-	اشتقاقی	
۱۳۱	۹۷	۳۴	مجموعاً	

کتاب‌نامه

- اگرادی، ویلیام، دابروولسکی، مایکل و آرونوف، مارک (۱۳۹۸)، در آمدی بر زبان‌شناسی معاصر، ترجمه علی درزی، تهران: سمت .
- آرام، یوسف (۱۳۸۷)، «بررسی فرایند اشتقاق در زبان ترکی آذربایجانی»، پژوهش علوم انسانی، س ۹، ش ۲۴.
- بهرامی خورشید، سحر (۱۳۹۴)، «کارآیی انگاره صرف واژگانی؛ تحلیلی بر اساس داده‌های زبان فارسی»، دو ماهنامه جستارهای زبانی، دوره ۶، ش ۶.
- خویشکی، محمد صابر (۱۳۸۹)، فونولوژی - مورفولوژی، کابل: مہمند.
- دارمستر، جیمز، گایگر، مورگنستین، جورج و بنونیست، امیل (۱۳۵۶)، تاریخ تلفظ و صرف زبان پشتو، ترجمه عبدالغفور روان‌فرهادی، کابل: صلح.
- دبیر مقدم، محمد (۱۴۰۲)، رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، تهران: سمت.
- رشتین، صدیق‌الله (۱۳۲۶)، پشتو اشتقاقونه او ترکیبونه، پشاور: مرکز پژوهشی و انکشاف زبان .
- زیار، مجاور احمد (۱۳۹۶)، ویپوهنه او ویرغاونه، کابل: دانش .
- شقایق، ویدا (۱۳۸۶)، مبانی صرف، تهران: سمت.
- شقایق، ویدا (۱۳۹۴)، فرهنگ توصیفی صرف، تهران: علمی.
- غلام‌علی‌زاده، خسرو و فیضی‌پیرانی، یدالله (۱۳۹۰)، «بررسی لایه‌ها و سطوح واژگانی در وندهای زبان فارسی از نگاه صرف واژگانی»، پژوهش‌های زبانی، س ۳، ش ۲.
- قطره، فریبا (۱۳۸۶)، تصریف در زبان فارسی، رساله‌ی دکتری، تهران: گروه زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- کلباسی، ایران (۱۳۹۱)، ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مدرس خیابانی، شهرام (۱۳۷۷)، بررسی وندهای زبان فارسی از دیدگاه صرف واژگانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

Allen, M. R (1978), Morphological Investigation, Doctoral Dissertation, Connecticut: University of Connecticut.

Becka, J. (1969), A Study in Pashto Stress, Prague: The Oriental Institute in Academia of Czechoslovak Academy of Sciences.

Bloomfield, L. (1933), Language, New York: Holt.

David, A. B. (2014), Descriptive Grammar of Pashto and its Dialects, Germany: Hubert & Co. GmbH & Co. KG, Göttingen.

Flemming, Paris B. (2021), "Lexical Stress in Northeastern Pashto", Japan: ICUWPL (17), 15-24.

Greenberg, J. H. (1966), *Universals of Language*, Cambridge, Massachusetts: MIT Press.

Katamba, F. and Stonham, J (2006), *Morphology* (2nd Ed), New York: Palgrave.

Kiparsky, P (1982), "Lexical Morphology and Phonology", In F. Katamba (Ed.) *Morphology: Critical concepts in linguistics* (pp. 94-184). London/New York: Taylor & Francis.

Kiparsky, P. (1983), "Word formation and the lexicon", In: F. Ingemann (ed.), *Mid-America Linguistics Conference*. University of Kansas, 3-32.

Mohanan, K. P (1982), *Lexical Phonology*, Doctoral Dissertation, Massachusetts: MIT.

Panocová, R. (2021), *Basic Concepts of Morphology, I*. In P. Štekauer & P. T. Hacken (Eds.). *Filozofická fakulta Univerzita Pavla Jozefa Šafárika v Košiciach*.

Penzl, H (1955), *A Grammar of Pashto: A Descriptive Study of the Dialect of Kandahar, Afghanistan*. Washington: American Council of Learned Societies.

Robson, B. & Tegay, H. (2009), *Pashto*. In G. Windfuhr (Ed.). *The Iranian Languages*, New York: Routledge.

Siegel, D. (1974), *Topics in English Morphology*, PhD Dissertation. Massachusetts: MIT

Spencer, A. (1991), *Morphological Theory: An Introduction to Word Structure in Generative Grammar*, Oxford: Blackwell.

Safdar, M and Mangrio, Riaz Ahmad (2021), "Derivational Morphology in Urdu: A Lexical Morphology Approach", *Linguistics and Literature Review (LLR)*, Volume 7, Issue 1.